



پژوهشگر علوم انسانی و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

قسمت درزی

«شرق شناسی» واژه‌ای نام‌آشنا برای ماست، واژه‌ای که به مطالعات غربی‌ها درباره شرق اختصاص پیدا کرده و در روزگار معاصر حتی دربرگیرنده شرقی‌هایی است که با روش‌های متداول در غرب به‌پژوهش می‌پردازند. باوجوداین، «غرب‌شناسی» یا اکسیدنتالیزم واژه‌ای غربی و کمترآشنا برای ماست. شاید حتی عجیب نباشد که بگوییم این اصطلاح برای خود غربی‌ها هم دست کم تااواخر قرن بیستم میلادی غربی‌می‌نموده‌است. به‌عبارت دیگر، اهل مغرب‌زمین آن گونه که‌به‌شرق ومطالعه آن پرداخته‌اند، به خود و شناخت خود کمتر پرداخته‌اند. ریچارد لمبارد در مقاله بسیار مهمی بانام «محوسازی مرزهای رشته‌ای: مطالعات ناحیه‌ای در آمریکا» به خوبی نشان داده‌است که غالب آنچه در آمریکا بانام مطالعات ناحیه‌ای شناخته می‌شود، به‌شرق اختصاص دارد ومجموع آنچه تاآن زمان در قالب این رشته به‌آمریکا اختصاص پیدا کرده‌است، سهم ناچیزی دارد. وضعیت مشابهی در این دوران در کشورهای اروپایی نیز دیده می‌شود. شاید تحول اساسی در توجه به‌غرب رانهاون در مطالعات پسااستعماری وبه‌ویژه آثار ادوارد سعید مشاهده کرد. نام‌آثر برجسته سعید «شرق شناسی» است. اما اوشرق‌شناسی رابه‌عنوان تبادل‌ی پویا ودینامیک میان نویسندگان از یک طرف وعلاق سیاسی بزرگی که‌به‌وسیله‌سه امپراتوری بریتانیا، فرانسه وآمریکا پدیدآورده شده‌اند، مفروض می‌داند. بنابراین شناخت انگیزه‌ها وپارادایم‌های غالب بر پژوهش‌های غربی‌ها اصلی‌ترین انگیزه سعید از تألیف «شرق‌شناسی» است ودرواقع غرض اوشناخت غرب وانگیزه‌های آن‌هاست. جریان متأثر از او (فریدر، رضا داوری ...) نیز باهمین نیت وهدف به‌مطالعه‌غرب پرداخته‌اند.

با وجود چنین جریان‌ی، این مطالعات بیشتر به‌سوگیری ونگاهی یک‌طرفه به‌غرب متمم بوده‌است. مکارث وهمکارانش بیشتر این جریان‌های غرب‌شناسانه درشرق رابه «شرق‌دوستی» (ارینث فیلیا) و«غرب‌هراسی» (وسترن فوبیا) متهم کرده‌است وکوریشی این گونه‌توضیح می‌دهد که: «در میان مسلمانان یک شرق‌شناسی معکوس یا «غرب‌شناسی» در جریان است. بسیاری از بنیادگراها که‌من ملاقات کردم، مشتاق بودند تاغرب رابه‌عنوان (نهادی) فاسد وبیش از حدجنسی شده‌ببینند. ...همچنین آن‌راجایی در نظر بگیرند که [خانواده اهمیت بسیار کمی دارد یا دائم در حال تغییر است. ... توضیح کوریشی برای ما شرقی‌ها خیلی آشنا وقریب به‌ذهن است وپیاپی آن رادر رسانه‌ها وگاه مجامع علمی شنیده‌ایم. اما این درک وتصور ازغرب بقدر درست ومطابق باواقع است؟ واقعیت آن‌است که بیشتر این گزاره‌ها مبتنی بر تحقیقات وفکت‌های آکادمیک وعلمی نیستند واثباتشان نیازمند رویکردهای علمی ومبتنی بر فکت واقعی‌است. متأسفانه ما حتی در تعریف خود از «غرب» نیز گام اساسی وشایسته‌ای برنداشته‌ایم. به‌سختی می‌توان در ایران کتاب یا مقاله‌ای رابافت که‌تعریفی منقح، دقیق وکامل از «غرب‌شناسی» ارائه داده باشد. بگذریم از اینکه بتوان کتابی رابافت که حدود ونفور این دست از مطالعات را نشان داده باشد. این در حالی است که کتاب‌های زیادی در این ارتباط درغرب نوشته‌شده‌است وما حتی زحمت ترجمه بخشی از این آثار رانیز به‌خود نداده‌ایم.

در حقیقت «غرب» و«شرق» مقولاتی تک‌نباری وتک‌وجهی نیستند که‌با رویکردی یک‌سویه به‌آن‌ها بتوان نتیجه مطلوب دریافت کرد. این مفاهیم تبارهای گوناگون فرهنگی، جغرافیایی، اجتماعی، سیاسی واعتقادی رادر برمی‌گیرند وبرای اینکه حکمی مرتبط با «غرب» داشته باشیم، لازم‌است همه این وجوه در نظر گرفته‌شود. متأسفانه بیشتر کارهایی که‌تاکنون در «شرق» درباره «غرب» انجام شده، به‌دلیل نگاهی منفی که‌از دوران استعمار در ذهن شرقی‌ها باقی مانده، به‌شدت سوگیرانه ویک‌طرفه‌است وما نیازمند آن هستیم که‌در نوع نگاه خود به‌دیگری (که‌در اینجا غرب مدنظر است) تجدیدنظر اساسی داشته باشیم وتاحد امکان آن راواقع‌گرایانه‌تر کنیم.

کتاب شناخت

راست‌گرایان افراطی در دنیای امروز

گروه اندیشه

«به‌جای اینکه پوپولیست‌های جناح راست راتندروهایی متعصب یاپارانوید بخوانیم، باتصویری شاعرانه از آن‌ها ارائه کنیم وبگوییم «مردمی» هستند که‌زیر بار ستم نمی‌روند، باید بفهمیم که‌این جنبش‌ها هم پیچیده وهم خطرناک هستند. پیچیده به‌این دلیل که‌هم گرایش‌های موجه وهم خودخواهانه دارند. خطرناک به‌این دلیل که‌بیم‌وامید مردم رابه‌سمت شورش‌هایی گمراهانه هدایت می‌کنند که‌فقط به‌افزایش نابرابری وستیم می‌انجامد.

کاس مود، نویسنده کتاب راست افراطی امروز، که بخشی از اثر او را ابتدای متن خواندیم، یک پژوهشگر هلندی واستاد دانشگاه جورجیای آمریکا ست، پژوهشگری که تحقیقاتش در زمینه افراطی‌گری سیاسی وپوپولیسم به‌او شهرتی جهانی بخشیده‌است. وی یکی از بنیان‌گذاران وتشکیل‌دهندگان گروه دائمی کنسرسیوم اروپایی برای تحقیقات سیاسی درباره افراط‌گرایی ودموکراسی در اروپا ست که آثار متعدددش در این زمینه در سال ۲۰۰۸واراستحقاق دریافت جایزه اشتاین روکان در زمینه علوم اجتماعی تطبیقی کرد. مود درباره ذات راست‌گرایان افراطی در مصاحبه‌ای که درباره کتابش باوب‌سایت «فایوبوکس» انجام‌داده‌است، می‌گوید: «جوهره راست افراطی، بومی‌گرایی است، یعنی این باور که آدم بخشی از یک گروه ذاتی مبتنی بر فرهنگ یا نژاد است که باید یک‌دست باشد ودیگران تهدیدی دردستیایی به‌این یک‌دستی به‌شمار می‌آیند. درواقع، راست‌گرایان افراطی کسانی هستند که دوست دارند کشورشان، کشور مخصوص ملت یا نژاد خودشان باشد ودرهای آن به‌وری دیگران بسته باشد؛ چون بقیه دنیا را فضایی تهدیدآمیز برای خودشان به‌حساب می‌آورند. بنابراین طبیعی است که از نظر این افراد، مسائلی مانند مهاجرت واسلام مشکل داشته باشد وامنیتمان رابه‌مخاطره

ببندازد. جامع بودن وبیان نسبتا ساده کاس موده در این کتاب، موضوع آن رابرای مخاطبانی که قصد آشنایی با این پدیده در جهان را دارند، آسان کرده‌است وشاید به همین دلیل است که ترجمه‌های مختلفی از کتاب به زبان‌های مختلف شده‌است، موضوعی که نشر لوگوس را هم به این نتیجه رساند برای نخستین بار امسال این کتاب راترجمه ووارد بازار کرد.

مترجم: محمد وصادق زندی

نشر: لوگوس

قیمت: ۱۱۰ هزار تومان

بررسی تطبیقی شورای نگهبان با سایر کشورها به مناسبت ۲۶ تیرماه، سالروز تأسیس شورای نگهبان

حفاظت از قانون اساسی، روی دیگر مردم سالاری



یکی از جلسات شورای نگهبان شهریور ۱۳۹۱

شورای نگهبان

در قانون اساسی ایران

امروز انطباق قانون‌های مجلس باقانون اساسی واصول اسلام برعهده شورای نگهبان است. مطابق اصل ۹۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی، همه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به تأیید شورای نگهبان برسد. این شورا موظف است آن را حداکثر ظرف ۱۰ روز از تاریخ وصول از نظر مطابقت با موازین اسلامی و قانون اساسی تطبیق دهد. همچنین تفسیر قانون اساسی ونظارت بر انتخابات مجلس وریاست جمهوری ومراجعه به‌آرای عمومی وهمه‌پرسی، جزو وظایف شورای نگهبان است.

شایان ذکر است در کشورهایی نظیر ایران باتکیه بر هم‌سطح بودن قوای سه‌گانه مجریه، مقننه وقضاییه، چنین استدلال کرده‌اند که مقام بررسی‌کننده انطباق قانون عادی باقانون اساسی، باید لزوما در مرتبه‌ای بالاتر از قوه قضاییه قرار گیرد. باتوجه به این اشکال، بسیاری از کشورها، قوانین رابه‌وسیله یک نهاد سیاسی، کنترل می‌کنند. (۸)

فرجام سخن

مروری بر قانون اساسی سایر کشورها و به خصوص کشورهایی نظیر آمریکا وفرانسه که در دنیا ادعای مهد دموکراسی وآزادی بودن را دارند، نشان می‌دهد که بر خلاف القای برخی روشن فکران، نهاد‌های مشابهی برای نظارت وکنترل قانون‌های عادی وحفاظت از قانون اساسی دیده شده‌است. بر این اساس، این نهاد‌ها اگر احساس کنند قانونی درحال تصویب است وبا ارزش‌ها و اصول حکومت آن‌ها تضاد دارند، آن را رد می‌کنند، به‌عنوان مثال کشور ترکیه قانون منع حجاب را در سال ۲۰۱۰ میلادی پس از سال‌ها بحث، شورای قانون اساسی این کشور تأیید کرد. دادگاه قانون اساسی ترکیه در خرداد ۱۳۸۷ به تداوم ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌های این کشور رأی داد. این موضوع نشان می‌دهد که کشورهای مختلف دنیا به منظور حفظ ساختارها وزیر بناهای جامعه، اقدام به تشکیل نهاد‌های مختلفی برای صیانت از قانون اساسی می‌کنند، از این رو شاهد هستیم که نهاد‌های مختلفی نظیر شورای نگهبان در سایر کشورها فعال هستند.

منابع:

- ۱- منوچهر طباطبایی مؤتمنی، حقوق اساسی، نشر میزان، چاپ دوازدهم، صفحه ۵۷۰.
- ۲- منوچهر طباطبایی مؤتمنی، حقوق اساسی، همان، صفحه ۲۹۲ و ۲۱۴.
- ۳- ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی ونهاد‌های سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، صفحه ۲۳.
- ۴- سیدجمال‌الدین مدنی، حقوق اساسی تطبیقی، ترجمه خلیل... سردارنیا، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۹۰، صفحه ۲۷۸.
- ۵- حسن خسروی، حقوق اساسی، همان، صفحه ۵۸.

روسیه

دادگاه قانون اساسی روسیه، مرکب از نوزده قاضی است. این دادگاه به بررسی مطابقت مصوبه مقامات ومجالس با قانون اساسی، رسیدگی به شکایات درباره نقض حقوق وآزادی‌ها، تفسیر قانون اساسی، رسیدگی به اتهامات رئیس‌جمهور وصدور حکم می‌پردازد. (۵)

آمریکا

در بند دوم ماده ۶ قانون اساسی آمریکا آمده است: «قانون اساسی وقوانین ایالات متحده آمریکا که طبق قانون اساسی تدوین خواهد شد و تمام معاهداتی که منعقد شده‌است یا در آینده به‌موجب اختیارات حکومت فدرال منعقد می‌شود، بر قوانین این سرزمین حاکمیت دارد وقضات تمام ایالات، مکلف به رعایت آن هستند، طبق تفسیری که از این ماده شده‌است، قضات دیوان عالی، قوانین مصوب کنگره راباقانون اساسی تطبیق می‌دهند ومطابق قوانین اساسی وقوانین عادی دولت فدرال، ایالات را کنترل ونظارت می‌کنند. (۶)

ایتالیا

در قانون اساسی ایتالیا نهادی به‌نام «دیوان قانون اساسی» وجود دارد که بر مصوبات مجلس ملی وسنای ایتالیا نظارت دارد. چنانچه این دیوان، مصوبات آن‌ها را رد کند، بی اثر وملغی می‌شود.

کره جنوبی

دادگاه قانون اساسی کره جنوبی ۹ عضو دارد که باید شرایط حداقل چهل سال سن،پانزده سال سابقه مشاغل قضایی یا کالت وپانزده سال سابقه عضویت در هیئت علمی دانشکده حقوق را داشته باشند. دادگاه قانون اساسی کره جنوبی، علاوه بر تطبیق قانون مصوبه مجلس باقانون اساسی ونظارت بر برگزاری انتخابات، اختیارات استیضاح مأموران دولت، انحلال یک حزب سیاسی ورسیدگی به شکایات مربوط به قانون اساسی رانیز برعهده دارد.

ترکیه

دادگاه قانون اساسی، بلندپایه‌ترین تشکل قضایی برای بازنگری ونظارت بر قانون اساسی در ترکیه است. این دادگاه، شکل ومفاد قوانین، مصوبات قانونی وآیین‌های دادرسی مجلس بزرگ ملی ترکیه را از نظر سازگاری باقانون اساسی این کشور واری می‌کند. احکام صادرشده از سوی دادگاه‌های مستقل در صورت تأیید دادگاه‌های عالی نظیر دادگاه قانون اساسی به مرحله اجرا درمی‌آید. این دادگاه قانون اساسی همچنین در مواقع لزوم به‌عنوان دیوان عالی کشور برای بررسی موضوعات اقامه‌شده درباره رئیس‌جمهور، اعضای هیئت وزیران ورؤسا یا اعضای دادگاه‌های عالی، عمل می‌کند. (۷)

در ابتدای انقلاب اسلامی بسیاری از انقلابی‌ها بر این باور بودند که یکی از عوامل شکست نهضت مشروطه برخلاف ماهیت اسلامی اولیه‌آن، نبود نهادی منسجم برای حفاظت از قانون اساسی وتطبیق قانون‌های مصوب مجلس با اسلام وهمچنین نهادی ناظر بر بی‌طرفی انتخابات بوده‌است. این مسئله باعث شد ایده ایجاد شورای نگهبان رانویسندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی مطرح کنند. با این حال در طول انقلاب اسلامی، جریانات لیبرال وضدانقلاب، بارها شورای نگهبان را مغایر باروند دمکراتیک دانستند واعلام کردند که این نهادمنافع از نهادینه‌شدن دموکراسی در ایران است. این نوشتار به مناسبت سالروز تأسیس شورای نگهبان ۲۶ تیر ۱۳۵۹، درصدد است با بررسی قانون اساسی سایر کشورهای جهان، این ادعا را بررسی ومشخص کند که آیا نهاد‌هایی مشابه شورای نگهبان در سایر کشورها وجود دارد یاخیر.

ضمانت اجرای قانون اساسی

اجرای قانون اساسی به‌عنوان قانون بنیادی ونماد اداره قوه مؤسس کشور، وقتی عملی می‌شود که قانون‌گذار عادی نتواند قانونی خلاف آن وضع کند و در صورت وضع چنین قانونی، مرجعی باشد که آن را لغو وباطل کند. ابتکار تشکیل مرجعی برای کنترل ونظارت بر قانون‌های عادی را در ابتدا «سی‌یس»، سیاستمدار انقلابی فرانسه، مطرح کرد. این شخص در هنگام تدوین قانون اساسی در ۲۲ اوت ۱۷۹۵ پیشنهاد داد مرجعی به‌نام «هیئت قانون اساسی» باهدف صیانت از قانون اساسی تشکیل شود. (۱) اکنون دو شیوه برای حفاظت از قانون اساسی در دنیا متداول است، اولی کنترل قانون‌ها به‌وسیله یک مرج قضایی به شکل ایراء ضمن دعوی است. بر این اساس، رسیدگی به تعارض قانون‌های عادی، ممکن است به‌صورت دعوی یا ایراء در محضر دادگاه مطرح شود. در این حالت، اشخاص با مقامات عمومی، دعوی خاصی رادر مورد قانون مصوب مجلس در دادگاه مطرح می‌کنند ومدعی می‌شوند که مخالف قانون اساسی است. اگر مشخص شود آن قانون مغایر قانون اساسی است، اجرای آن در دادگاه متوقف می‌شود. (۲) روش دوم در کشورهای اروپایی نظیر اتریش، آلمان، فرانسه وایتالیا اجرا می‌شود. در چنین شیوه‌ای اگر در دادگاهی که برای حفاظت از قانون اساسی تشکیل شده‌است مغایرت قانون مجلس باقانون اساسی آشکار شود، قانون لغوی شود و دیگر قابل استناد نیست. تفاوت این شیوه با روش پیشین، این است که در روش قبلی به‌صورت موردی، قانون مغایر مجلس رد می‌شود و در دادگاهی دیگر، مصوبه مجلس قابل استناد است، اما در این روش، قانون مغایر به کلی لغو می‌شود. (۳) با این مقدمه به بررسی نهاد‌های مختلف حفاظت از قانون اساسی در سایر کشورها می‌پردازیم.

فرانسه

شورای قانون اساسی فرانسه متشکل از ۹ عضو است که آن‌ها را برای مدت ۹ سال، مجلس ملی فرانسه (سه عضو)، مجلس سنا (سه عضو) ورئیس‌جمهور (سه عضو) بدون حق مجددانتخاب، برمی‌گزینند. در این شورا، کنترل قانون‌های ارگانیک ونظام‌نامه مجلس اجباری است. به‌عبارتی باید پیش از انتشار، قانون مصوب مجلس بررسی شود وبه تأیید این شورا برسد. اما قانون‌های عادی زمانی بررسی می‌شوند که مقامات (رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر ورؤسای دو مجلس سنا و ملی) آن رابه شورا ارجاع بدهند. تصمیم‌های شورای قانون اساسی فرانسه، قطعی است وقابلیت اعتراض ندارد. (۴)

آلمان

دادگاه قانون اساسی دارای دو شعبه است. رسیدگی به اختلاف‌های ناشی از انتخابات مجالس مقننه فدرال وشکایت علیه وزرای فدرال باشعبه اول ورسیدگی به تعارض قانون‌های مجالس باقانون اساسی فدرال ومعاهدات که مقامات حکومتی مطرح می‌کنند، باشعبه دوم است. این دادگاه، وظیفه تشخیص مطابقت قانون‌های عادی فدرال باقانون اساسی، رسیدگی به اختلاف‌های دولت‌های فدرال با یکدیگر ورسیدگی به صحت انتخابات وتفسیر قانون اساسی رابرعهده دارد.

«نقد اندیشه»

باسیدحسین نصر رسید



پیشخوان

مجله «نقد اندیشه» به همراه ضمیمه ویژه

«نقشه ایران فرهنگی» منتشر شد.

اولین شماره مجله «نقد اندیشه» بانام «مجله تفکر انتقادی و ایده‌های متضاد»، همراه ضمیمه ویژه «نقشه ایران فرهنگی» باتصویری از سیدحسین نصر در روی جلد خود و متن گفت‌وگو با این فیلسوف سنت‌گرا در برنامه شوکران، به تازگی منتشر شده

وروی پیشخوان مطبوعات آمده است. پرونده دیگر «چالش‌های وضع تفکر معاصر»، پرونده دیگر مجله نقد اندیشه است که در آن، بیست گفتار درباره بررسی بحران فکری جریان اسلامی، همراه گفت‌وگو با حاتم قادری، شهین دخت خوارزمی، محمود رجیبی، محمد صنعتی، علی نقی مشایخی، عبدا... جوادی آملی و... منتشر شده‌است. «پایان کار انقلاب؟» نیز نام میزگردی با حضور مهدی گلشنی، نجف‌قلی حبیبی وسیدجواد میری است. «تفکر انتقادی در سنت اسلامی» نام پرونده دیگری است که مقالاتی از پیتر آدمسون، خالد ابوالفضل، عبدالمجید میلمی، محمد امین و... را در خود

گنجانده است. «ارتجاع، دین و سنت» از دیگر

پرونده‌هایی است که شامل متن کامل گفت‌وگو با سیدحسین نصر در آخرین برنامه شوکران وگفت‌وگو با چارلز تیلور، فیلسوف بزرگ کانادایی ومقاله‌ای اختصاصی از اسلاوی ژویژک باتیتر «شیخ دامنی ارتجاع» است.

نقد اندیشه در پرونده «آینده تفکر در جامعه شبکه‌ای» به موضوع «اندیشیدن هوش مصنوعی» پرداخته‌است که در آن، گفت‌وگویی باپروفسور مانوئل کاستلز، متفکر بزرگ اسپانیایی، به چشم می‌خورد. در پرونده «چشم‌انداز رنسانس ایرانی» هم بامروری بر خاطرات عبدا... انوار، آخرین گفت‌وگو با این حکیم فقید ایرانی منتشر شده‌است.

از دیگر عناوین این مجله چهارزانه می‌توان به: اولویت آزادی‌بردین؟ شامل میزگردی با حضور رضا امیرخانی، مهدی نصیری، ناصر نقویان، شریف لکزایی وسهیل اسعد اشاره کرد. «نقد اندیشه» با ۲۴۸ صفحه وقیمت ۱۳۰ هزار تومان عرضه شده‌است.